

دولت تحمیلی- جنگی

اشتباه یا توطئه ای که

باید اصلاح و یا خنثی شود

برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس هفتم و انتخابات پرتقلب ریاست جمهوری دوره نهم و تشکیل یک دولت نیمه نظامی و تمام امنیتی، در خوش بینانه ترین ارزیابی سیاسی، یک اشتباه فاحش بود و در بدبینانه ترین ارزیابی سیاسی، یک توطئه. این ارزیابی سیاسی اشتباه و یا اقدام توطئه آمیز تماماً به سود امریکا و هر قدرت خارجی دیگری که بخواهد در ایران مداخله مستقیم نظامی کند تمام شد. ما، پا را فراتر از این گذاشته و معتقدیم کل برنامه مقابله با جنبش اصلاحات، نا امید کردن مردم از تحولات و بازگرداندن آنها به خانه یک توطئه بود. ادامه این توطئه، واگذار کردن تحولات در ایران به ظهور امام زمان و فرستادن مردم بدنبال نخود سیاهی است که از دل آن فقط روزگار سیاه می تواند بیرون بیاید. شاید کسانی در راس حاکمیت فریب این نیرنگ را خورده باشند که امریکا و اسرائیل و اروپائی ها در سرانجام خود با تولید انرژی اتمی در ایران، فن آوری هسته ای و حتی بمب اتمی که می خواهیم در ادامه آن تولید کنیم کنار نخواهند آمد و به ما تهاجم خواهد شد. بنابراین لازم است:

- ۱- منتقدان را از حاکمیت بیرون کرده و مخالفان را سرکوب کنیم و فضای رسانه ای را نیز ببندیم.
- ۲- دولتی یکدست، با حضور کسانی که ۸ سال با اصلاحات جنگیدند و عمدتاً نظامی- امنیتی از ترکیب مدافعان و دست اندرکاران این سیاست تشکیل بدهیم.

این ارزیابی سیاسی، که بی شک در راس حاکمیت - از جمله رهبر و اطرافیان وی، و افرادی نظیر احمد جنتی- مدافع آن بوده اند، از نظر ما تفاوتی با توطئه ای که از ابتدا هدفش هدایت ایران به نقطه کنونی بوده و دولت نظامی- امنیتی را در برنامه خود داشته، تفاوتی در ماهیت ندارد. اگر تفاوتی باشد در نیت است و نیت خیر و یا شر، در محاسبات سیاسی کوچکترین ارزشی ندارد، چرا که نتیجه امر مهم است.

بدین ترتیب است، که ناتوان ترین دولت، بی اعتبارترین سیاست و پرضعف ترین و پرونده دار ترین افراد در قوه مجریه و قوه مقننه قرار گرفتند و در قوه قضائیه نیز نه تنها تقویت شدند، بلکه با اولین خانه تکانی در مجلس خبرگان و انتقال برخی اختیارات از رهبر به این مجلس (از جمله انتصاباتی نظیر قوه قضائیه و صدا و سیما و فرماندهان ارتش) عملاً آن را نیز می خواهند قبضه کنند.

وقتی می گوئیم این ارزیابی سیاسی، با آن توطئه ای که به آن اشاره می کنیم تفاوتی در نتیجه امر ندارد:

- ۱- مگر برای تهاجم به ایران و حتی تحمیل یک جنگ خانگی به کشور و تکه پاره کردن ایران، به شرایطی جز این نیاز بود؟
- ۲- در افکار عمومی جهان نیز باید سیمائی از ایران ساخته می شد که حمله به آن اگر با مقاومت روبرو نشود، حداقل با مخالفت هم روبرو نشده و با بی تفاوتی نظاره شود.

این دو نتیجه اکنون بدست نیامده است؟ تمام فاجعه اینست که چنین نتیجه ای بدست آمده است. الف- در داخل کشور امید به نجات دهنده خارجی تقویت شده و روز به روز نیز بیشتر تقویت می شود. نمایش های مذهبی و بسیجی کوچکترین اعتباری در عمل ندارد و هر نوع مقایسه آن با زمان حیات آیت الله خمینی و جنگ با عراق یک خود فریبی تاریخی است. فقر و بحران مدیریت و بیداد غارت اقتصادی ادامه پیدا کرده و خواهد کرد، زیرا هیچ نوع اراده ای در حاکمیت برای تغییر ساختار اقتصادی کشور و حاکمیت وجود ندارد و حرف های احمدی نژاد فوت در فلوت هم نیست.

ب- در عرصه بین المللی نیز ترکیب دولت و سخنان و عملکرد آن، در حداقل خود به محاصره اقتصادی و تشدید بحران اقتصادی ختم خواهد شد و زمینه های بند "الف" را تقویت و تشدید خواهد کرد.

ما توده ای ها، حتی بر این عقیده ایم که برای از بین بردن فن آوری و سرمایه گذاری اتمی ایران، که قطعا از سال ها پیش در جریان جزئیات آن نیز بوده اند، دولت و مجلس کنونی را به گونه ای توطئه آمیز بر سر کار آوردند و یا مشوق وضع کنونی در حاکمیت شدند. چرا، که به عقیده ما اگر وضع ایران به گونه دوره اول ریاست جمهوری خاتمی بود و ایران بمب اتم را هم رسماً آزمایش می کرد، حمله به ایران و از بین بردن سرمایه گذاری عظیم انرژی هسته ای که ما آن را یک دستاورد و سرمایه ملی می دانیم ممکن نبود.

همین است که معتقدیم آنها که با ارزیابی سیاسی غلط به این راه کشیده شدند، هنوز فرصت بازنگری و بازگشت را دارند و آنها که توطئه کردند در جریان همین بازگشت و بازنگری چهره واقعی و نفوذی خود را آشکار خواهند کرد. سر مار فقط این صورت به سنگ کوفته خواهد شد، در غیر اینصورت توطئه گران برندگان ادامه وضع کنونی اند.